

مشورت بیان نمودیم، آنچه در ادامه اهمیت می‌یابد بررسی نسبت میان شوراهایی است که در اصل هفتم قانون اساسی به آن‌ها اشاره شده - و فلسفه تشکیل آن‌ها نیز دستور خداوند در قرآن کریم بر ضرورت مشورت و چگونگی آن معرفی شده است - با نهاد مشورتی که در اسلام تعریف شده است.

آنچه که موجب ابهام می‌گردد این است که کدام یک از وظایف و تکالیف شوراهای مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که طبق نص اصل هفتم قانون اساسی بر مبنای مشورت پایه گذاری شده اند، با نهاد مشورت قابل تطابق است؟ به عبارت دیگر نهادهای مذکور (اعم از مجلس شورای اسلامی و یا شوراهای استان و شهر و روستا و ...) که بر مبنای نهاد مشورت پایه گذاری شده و از عنوان شورا برای آنها استفاده شده است، بر اساس کدام یک از ویژگی‌های نهاد مشورت عمل می‌نمایند و آیا وظایف آن‌ها متناسب با عنوان و مبنای آن‌ها تعیین شده است؟ آیا ابتدای شوراهایی مانند مجلس شورای اسلامی و شورای استان، شهرستان و ... بر نهاد مشورت صرفا در اسامی آن‌ها اعمال شده است و یا وظایف و عملکرد ایشان نیز بر نهاد مشورت استوار است؟ آیا مشورت‌های داخلی و تبادل نظرهای اعضای این مجامع در تصمیم‌گیری‌ها به معنای فعالیت شورایی آن‌هاست؟ برای پاسخ به این سوالات می‌بایست در مورد هر کدام از این شوراها ابتدا به صورت مختصر بنای آن‌ها و خصوصیات و وظایف آن‌ها مورد بحث قرار گیرد و سپس نسبت بنای مذکور با مبنای معرفی شده به داوری گذاشته شود.

گفتار دوم: بررسی ماهیت شوراهای محلی و انطباق آنها با نهاد مشورت

ماهیت عملکرد شوراهای محلی آن گونه که اصول یکصدم به بعد قانون اساسی در شرح و تبیین فعالیت‌های این نهاد بیان می‌دارد، وظیفه نظارت بر پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان است.^۱ این شوراها در راستای انجام این وظیفه خود علاوه بر نظارت بر فعالیت شهرداری‌ها و امور جاری شهر، امکان اتخاذ تصمیماتی در این حیطه از جمله انتخاب شهردار، تصویب بودجه سالانه شهرداری و موسسات و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، تصویب اساسنامه این موسسات

۱. اصل یکصدم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

و شرکت ها، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و ... را بر عهده دارند.^۱ نگاهی گذرا به عملکرد و شرح وظایف شوراهای اسلامی محلی نیز گویای چنین امری است. شوراهای شهر و روستا در عمل نهادهایی حاکمیتی هستند که امور مربوط به اداره شهر و روستا را از طرف مردم بر عهده دارند و تلاش شده است تا با این ابزار، از حاکمیت متمرکز جلوگیری به عمل آمده و با ایجاد نهادهای غیرمتمرکز مشارکت مردم نیز در اداره امور زندگی‌شان تا حد ممکن جلب گردد. اما با این حال عملکرد این شوراهای از حالت حاکمیتی خود خارج نشده است. تصمیمات این شوراهای در وضع عوارض، تصویب بودجه و تصویب اساسنامه شرکت‌ها و موسسات وابسته به شهرداری‌ها، تصویب نرخ خدمات ارائه شده از سوی شهرداری و یا نرخ کرایه وسائط نقلیه درون شهری از جمله اقداماتی است که باعث حفظ جنبه حاکمیتی این نهادها به طور کامل شده است؛ زیرا بسیاری از اقدامات شهرداری‌ها نظیر وضع عوارض، تعیین حریم شهر و یا توسعه معابر که بعضاً از طریق تصویب این شوراهای الزامی و عملیاتی می‌شوند، اگر چه با حقوق شخصی افراد و قاعده تسلیط در تعارض قرار می‌گیرد، اما به واسطه وجهه حاکمیتی این تصمیمات، بر حقوق شخصی افراد غلبه پیدا کرده و اعمال می‌گردند. گذشته از این دست تصمیمات حاکمیتی شوراهای، بسیاری دیگر از فعالیت‌های شورا ذیل مفهوم «نظارت» تعریف می‌شوند. شوراهای بر اساس قانون، مسئولیت نظارت بر مدیریت شهری و شهرداری‌ها در غالب امور را بر عهده دارند و ناظر اصلی مدیریت شهر در جهت پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم شناخته شده‌اند.^۲ آن گونه که مشاهده می‌شود، شوراهای در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران یا نهاد تصمیم‌گیر به حساب آمده‌اند و یا این که ایفاگر وظیفه «نظارت» محسوب شده‌اند.

۱. ماده ۷۱ «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» مصوب ۱۳۷۵/۳/۱

۲. از جمله این وظایف نظارتی شوراهای اسلامی شهر می‌توان به نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح‌های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان‌های خدماتی، نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی‌های شهرداری‌ها و همچنین حساب‌های درآمد و هزینه آن‌ها، نظارت بر حسن اجرای دعاوی مربوط به شهرداری، نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر، نظارت بر اجرای طرح‌های مربوط به ایجاد و توسعه معابر، خیابان‌ها، میدانی، فضای سبز و تاسیسات عمومی شهر، نظارت بر عملکرد امور سینماها و دیگر اماکن عمومی و ... اشاره کرد. (ماده ۷۱ «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» مصوب ۱۳۷۵/۳/۱)

با توجه به آنچه که درباره عملکرد و بنای نهادی تحت عنوان شوراهای اسلامی محلی بیان شد، ابتدای این نهادها بر امر مشورت به صورت جدی محل اشکال قرار می‌گیرد. زیرا از سویی این قبیل شوراها به جای یک نهاد تصمیم ساز و پیشنهاد دهنده در مقام یک نهاد تصمیم‌گیر به میدان می‌آیند و به وضع و تصویب قواعد مختلف دست می‌زنند و از سوی دیگر روند مشورت در تصمیمات آن‌ها عملی نمی‌گردد.

شوراها در قامت یک نهاد مشورت دهنده تصمیمات خود را به هیچ نهاد بالاتری ارائه نمی‌نمایند تا این که نهاد یا مقام بالاتر به عنوان مشورت گیرنده نسبت به موضوع تصمیم‌گیری نماید. بلکه دقیقاً بر خلاف این امر، استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آن‌ها هستند.^۱ ضمانت‌اجراهای مندرج در قانون^۲ در مواردی که مصوبات این شوراها خلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور باشد که منجر به لغو تصمیمات شوراها و حتی انحلال آنها می‌شود نیز از جنس تصمیم‌گیری نهاد عالی‌تر نسبت به پیشنهادات مشاوران نیست، بلکه از جنس جلوگیری از تعدی نسبت به حیطه اختیارات است؛ سازوکاری که قانون‌گذار نسبت به همه کسانی که قدرت تصمیم‌گیری به آن‌ها اعطا می‌شود، به عنوان ضمانت اجرا پیش بینی می‌نماید.

البته در میان مجموعه وظایف و اختیارات این شوراها استثنائاتی نیز وجود دارد که اقدامات آن‌ها در قالب مشورتی صورت می‌گیرد؛ لیکن قلمت این قبیل موارد باعث می‌شود که نتوان آنها را از حد استثناء بودن فراتر دانست. از جمله این وظایف که شأن مشورتی شوراها در آن قابل ملاحظه است اصل یکصد و دوم قانون اساسی است که به موجب آن «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی را تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.» بدین ترتیب شورای عالی استان‌ها در مقام یک مشاور واقعی، با در نظر گرفتن مسائل مربوط به حیطه اختیارات خود و با آگاهی از

۱. اصل یکصد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آن‌ها هستند.

۲. ماده ۸۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ با اعمال آخرین اصلاحات

مشکلات خاص در حوزه شمول فعالیتی خود، طرح هایی را تهیه نموده و به صورت مستقیم و یا از طریق دولت به صورت غیرمستقیم به مجلس شورای اسلامی ارسال می نماید که این طرح ها می بایست در مجلس مورد بررسی قرار گیرند. بدین معنا همه ارکان مشورت، به صورت کامل در این اصل قانون اساسی مورد رعایت قرار گرفته است. شورای عالی استان ها در مقام مشورت دهنده، طرحی را در قالب مشورت و پیشنهاد به مجلس شورای اسلامی به عنوان مشورت گیرنده ارسال می نماید. مجلس به عنوان مقام تصمیم گیر این مشورت را بررسی می نماید و بدون تکلیف به تبعیت از مشورت، پس از بررسی، تصمیم مقتضی و مقرون به مصلحت به تشخیص خود را اتخاذ می نماید که در این حالت مشورت به صورت کامل رخ می دهد.

یکی دیگر از وظایف شورای عالی استان ها ارائه پیشنهادات در مورد برنامه و بودجه به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است. بر این مبنا سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است یک نسخه از پیش نویس لوایح برنامه های توسعه و بودجه عمومی کشور و استان ها را پس از تهیه در اختیار شورای عالی استان ها قرار دهد. شورای عالی استان ها پیشنهادهای اصلاحی خود را در مورد برنامه و بودجه مذکور به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارائه خواهد کرد.^۱ همان گونه که مشاهده می شود در این وظیفه نیز شورای عالی استان ها، در قامت یک مقام مشورت دهنده، پیشنهادات خود را در مورد برنامه و بودجه به نهاد صالح تصمیم گیر در این امر ارائه می کند و آن نهاد با توجه به پیشنهادهای به تصمیم گیری می پردازد.

علاوه بر شورای عالی استان ها بعضی از وظایف شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز با معنای اصطلاحی مشورت مطابقت دارد. از جمله این که یکی از وظایف این نهادها بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرح ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه حل های کاربردی در این زمینه ها جهت برنامه ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذی ربط است.^۲ اگر شوراهای شهر و روستا تنها عهده دار همین یک وظیفه بودند، می شد به صراحت بیان کرد که شوراهای شهر و

۱. بند ۵ ماده ۷۸ مکرر ۲ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵)

۲. بند دوم ماده ۸۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵)

روستا از نهادهای مبتنی بر اصل مشورت هستند، اما برشماری این یک وظیفه در میان ۳۴ وظیفه‌ای که در قانون برای این شوراها احصاء شده است، باعث می‌شود تا نتوان فراتر از یک استثناء به آن نگاه کرد؛ استثنایی که هر نهاد دیگری نیز ممکن است در کنار مجموعه وظایف دیگر خود، در یک حوزه، در قامت مشاور نهادی دیگر به عمل بپردازد. اما در سایر وظایف و اختیارات شوراها که اکثر این وظایف را شامل می‌شود، جنس وظایف و تکالیف با نهاد مشورت مطابقت ندارد.

به هر حال و با توجه به آنچه که بیان شد به نظر می‌رسد در مجموع، نمی‌توان وظایف شوراها را در قلمرو مشورت تلقی نمود. نه تصمیمات حاکمیتی این شوراها و نه نظارت‌های این نهاد، از جنس مشورت - با در نظر گرفتن تعاریف و مباحث پیش گفته - به حساب نمی‌آیند و ماهیت آن‌ها هم، ماهیت کار مشورتی اصطلاحی بیان شده در آیات و روایات نیست و نمی‌توان شوراها را نهادی بر اساس امر مشورت در اسلام دانست؛ اگر چه به تاسی از آن، حتی نام شورا بر خود گرفته باشد. البته شوراها در انجام وظایف خود ممکن است از سازوکارهای مشورتی و مجموعه‌ای از مشاوران بهره ببرند. به عنوان مثال در موضوعاتی که قرار است در شوراها مصوباتی صورت گیرد، ممکن است از نظرات تخصصی خبرگان موضوع در قالب مشورت استفاده نمایند و فرآیند نهاد مشورت در اسلام را در عملکرد داخلی خویش پیاده نمایند، اما این به معنای ابتدای این ساختار بر نهاد مشورت نیست. چراکه شورا بایستی خود نقش تصمیم سازی نسبت به مقام یا نهاد مافوق خود را ایفا نماید، در حالی که شوراها خود در قامت مقام مافوق و در فرآیند تصمیم گیری از مشورت‌های تصمیم‌سازان متخصص استفاده می‌نمایند. اما تبیین این که اگر شوراها شهر و روستا بر مبنای مشورت بنا نشده‌اند، بر چه اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد و تقویت شده‌اند، بحثی است که در شرح فقهی فصل هفتم قانون اساسی که به موضوع شوراها اختصاص دارد، به آن پرداخته خواهد شد.

گفتار سوم: نسبت مجلس شورای اسلامی با نهاد مشورت

اگر چه از مفهوم شورا در قانون اساسی، شوراها را اسلامی محلی به ذهن متبادر می‌گردد، اما اصل هفتم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی را نیز در عداد شوراها و تشکیل آن را بر مبنای دستور قرآن کریم به نهاد مشورت دانسته است. از این روست که میان مجلس شورای اسلامی و نهاد مشورت نیز بایستی نسبت سنجی صورت گیرد

تا میزان انطباق این نهاد بر امر مشورت، مشخص گردد.

پیش فرض قانون اساسی ابتدای مجلس شورای اسلامی بر نهاد مشورت است، لذا با توجه ذکر این پیش فرض در فصل کلیات قانون اساسی می‌بایست آن چه در اصول آتی و به ویژه اصول مندرج در فصل قوه مقننه در رابطه با شرح وظایف و چگونگی فعالیت مجلس را در تطابق با مبنای مشورت به حساب آورد. میزان این انطباق و وجود لازمه‌های ابتدای یک نهاد بر نهاد مشورت مسائلی است که بایستی در این گفتار مورد بررسی قرار گیرد.

در تقابل میان تصمیم سازی و تصمیم گیری، صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی گویای این است که برای مجلس ماهیتی تصمیم گیرانه در قانون اساسی پیش بینی شده است. اختیار وضع قانون در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی^۱ به صراحت مبین جایگاه تصمیم گیرانه نهاد مجلس شورای اسلامی در ساختار جمهوری اسلامی است، زیرا وضع قانونی عمومی که برای همه افراد جامعه لازم الاتباع باشد، همان وظیفه تصمیم گیری است.

قانون اساسی علاوه بر صلاحیت قانونگذاری، وظیفه دیگری را نیز برای مجلس شورای اسلامی تعیین نموده و شأن نظارتی را در اصول متعدد قانون اساسی از طرقی نظیر تحقیق و تفحص در تمام امور کشور، سوال از رئیس جمهور و وزراء، استیضاح یکی از وزرا یا هیات وزیران، رسیدگی به شکایات از عملکرد سه قوه و ...^۲ پیش بینی نموده است. پس مجلس شورای اسلامی یا به نظارت بر عملکرد سایر قوا می‌پردازد، که همانطور که قبلاً بیان شد از حیثه مشورت دادن و تصمیم سازی خارج است و در زمره وظایف محوله به نهاد شورا قرار نمی‌گیرد؛ یا این که راساً اقدام به تصمیم گیری و وضع قانون می‌نماید که این کار نیز اقدامی در راستای تصمیم گیری و نه تصمیم سازی است.

آن چنان که روند پیش بینی شده فعالیت‌های مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی هم نشان می‌دهد، این نهاد در انجام وظیفه مصرح قانونی خویش، نظرات خود را در قالب نظرات مشورتی به رکن دیگر مشورت یعنی نهاد عالی تری ارجاع نمی‌دهد تا مقام بالاتر و مشورت گیرنده در صورت صلاحدید نظر مشورتی را پذیرفته و یا این

۱. اصل هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲. از جمله اصول هفتاد و ششم، هشتاد و هشتم، نودم و پنجاه و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

که نظری به جز نظر ارائه شده را قبول نماید و جهت اجرا اعلام نماید. تنها مجلس شورای اسلامی موظف است مصوبات خود را به شورای نگهبان ارسال نماید که این شورا نیز نه در ساحت مقام بالاتر، بلکه در قامت یک نهاد ناظر، تنها انطباق یا مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی را با موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت آن را تایید یا برای بررسی مجدد به مجلس ارسال می‌نماید. در حالی که اگر مجلس بخواهد بر مبنای اصل مشورت عمل کند می‌بایست مصوبات خود را به نهاد بالاتری برای اتخاذ تصمیم ارسال نماید. چنانچه قرار باشد که این نهاد شورای نگهبان باشد، این شورا بایستی حق جرح و تعدیل مصوبه مجلس و انتخاب نظر مختار خود را داشته باشد، در حالی که این شورا از باب حاکمیت قانون - و نه مشورت - انطباق مصوبات با قانون اساسی و شرع را بررسی می‌نماید و اصل برتری قانون اساسی بر قوانین عادی را احراز کرده و از بعد شرعی هم مشورت درباره نظر شارع سالبه به انتفاء موضوع است؛ زیرا نظر شرع مشورت بردار نیست تا مجلس بخواهد امری را نظر شرع بداند و یا نداند و درباره اجرا یا عدم اجرای آن نظر مشورتی ارائه نماید. شورای نگهبان نیز در مورد انطباق قوانین با موازین اسلامی تنها اجتهاد تطبیقی نموده و نظر شرعی خود را در مطابقت یا مغایرت مصوبه با موازین اسلامی اعلام می‌نماید؛ نه این که از طرف حاکم اسلامی منصوب شده باشد که نظر مشورتی مجلس را پذیرفته و یا رد نماید.

البته لازم به ذکر است که مجلس شورای اسلامی نیز به سان شوراهای فرآیند عملکرد خود با مشورت بیگانه نیست و در تصمیم‌گیری‌های خود از نهاد مشورت به صورت گسترده بهره می‌برد. بر اساس قانون، مرکز پژوهش‌های مجلس موظف به مطالعه، پژوهش و ارائه نظرات کارشناسی در مورد تمام لوایح و طرح‌ها به نمایندگان و کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی و ارائه پیشنهادها و کارشناسانه برای رفع موانع و مشکلات نسبت به حسن اجرای قوانین است.^۱ بدین معنا این مرکز به عنوان یک ساختار مشورتی نقش تصمیم‌سازی را برای تصمیم‌گیری‌های مجلس شورای اسلامی ایفا می‌کند و همه ارکان لازم برای ابتدای یک ساختار بر نهاد مشورت را نیز داراست. همچنین ممکن است نمایندگان مجلس در فرآیند تصمیم‌گیری‌های خود از نظرات مشاورین تخصصی

۱. قانون شرح وظایف مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۰۹/۱۹

استفاده نمایند، اما به هر حال این‌ها تاثیری در ماهیت تصمیم گیرانه عملکرد مجلس شورای اسلامی ندارد و تغییری در آن ایجاد نمی‌کند.

بر این اساس نهاد مجلس شورای اسلامی خود راسا متکفل امری حاکمیتی است نه این که صرفا مشورت در زمینه تصمیم گیری در امور حاکمیتی را بر عهده داشته باشد و از این رو ابتدای این نهاد نیز بر مبنای مشورت، محل اشکال است. البته این امر بدین معنا نیست که نهاد مجلس شورای اسلامی، مبنای فقهی نداشته و با رد بنای آن بر نهاد مشورت، دیگر در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران قابل تحلیل نیست، بلکه مبنای فقهی مجلس شورای اسلامی به صورت مبسوط در شرح فقهی فصل ششم قانون اساسی بررسی خواهد شد.

گفتار چهارم: نهادهای مبتنی بر مشورت در قانون اساسی

در جریان تدوین قانون اساسی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸، نهادهای بسیاری با عنوان شورا به قانون اساسی راه یافتند. در فصل هشتم این قانون شورای رهبری پیش بینی شده بود که در صورت عدم وجود جمیع صفات در رهبر واحد، این شورا ولایت امور را بر عهده خواهد گرفت.^۱ اصل یکصد و پنجاه و هفتم شورای عالی قضایی را برای انجام مسئولیت‌های قوه قضاییه معرفی کرده بود. اداره صدا و سیما نیز در قالب شورای مرکب از نمایندگان قوای مختلف انجام می‌گرفت. به علاوه اصل هفتم قانون اساسی در فصل کلیات به امر مشورت و شوراها می‌پرداخت و نهادهایی تحت عنوان شورای عالی استان‌ها و شوراهای شهر و روستا و ... به موجب فصل هفتم قانون اساسی پیش بینی و ایجاد گردید. همان گونه که مشاهده می‌شود گرایش به امر شورا و مشورت در بین تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی زیاد بوده است و نهادهای زیادی

۱. اصل یکصد و هفتم قانون اساسی ۱۳۵۸ (پیش از بازنگری): هرگاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد، همانگونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب آیت‌الله العظمی امام خمینی چنین شده است، این رهبر، ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آن را برعهده دارد، در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم درباره همه کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می‌نمایند، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می‌کنند.

تحت این عنوان ایجاد شدند^۱ که البته بسیاری از آن‌ها ارتباطی با نهاد مشورت ندارند. در بازنگری قانون اساسی نیز شوراها بخش عمده‌ای از روند بازنگری را به خود اختصاص داده و شورای رهبری، شورای عالی قضایی - که از مصادیق مدیریت شورایی در نظام جمهوری اسلامی - و شورای مدیریت صدا و سیما به دلیل تجربیات مدیریتی ده ساله جمهوری اسلامی ایران از قانون اساسی حذف شدند و البته دو نهاد جدید در قانون اساسی پیش بینی شد که بخش اعظمی از وظایف ایشان بر مبنای نهاد مشورت در اسلام پایه گذاری شده است که به صورت اجمالی برای نشان دادن مصادیقی از نهاد شورا و مشورت در قانون اساسی معرفی می‌گردند:

بند اول: مجمع تشخیص مصلحت نظام

این مجمع که در سال ۱۳۶۶ با فرمان حضرت امام خمینی(ره) با هدف حل اختلافات میان مجلس و شورای نگهبان ایجاد شده بود در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ با هدف انجام این وظیفه و همچنین مشاوره در اموری که رهبری به آن ارجاع می‌دهد^۲ به قانون اساسی اضافه شد. آن گونه که در وظایف رهبری در اصل یکصد و دهم بیان شده است، سیاست‌های کلی نظام توسط مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین خواهد شد.^۳ همچنین معضلات نظام

۱. به اعتقاد بعضی، علت این امر را بایستی با نگاه تاریخی و در فضای سیاسی سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده کرد. در فضای سیاسی آن سال‌ها به علت گسترش گفت‌وگو و سوسیالیسم در میان بسیاری از مبارزین ادبیات شورا وارد ادبیات مبارزه شده بوده است و همه تحت تاثیر فضای این ادبیات قرار داشته‌اند و در پی ایجاد شوراهای متعددی بوده‌اند. این امر نه تنها در قانون اساسی بلکه در موارد دیگر هم با تشکیل شوراهایی هم چون شورای انقلاب اسلامی، شورای عالی دفاع و ... قابل مشاهده است. در پاسخ به این ادبیات، انقلابیون مسلمان ضمن پذیرش این ادبیات تلاش کردند تا با استفاده از جایگاه و ادله و مبانی امر شورا و مشورت در اسلام، به نوعی به بومی سازی این نهاد بپردازند و آن را ذیل نهاد مشورت معرفی نمایند.

۲. اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل یکصد و دوازدهم - مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود.

اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید.

مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

۳. اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: وظایف و اختیارات رهبر:

نیز توسط رهبری و از طریق نظرات مشورتی این مجمع حل می‌گردد.^۱ در این بخش از فعالیت‌های مجمع همه ارکان مشورت و لوازم ابتدای یک نهاد بر امر مشورت وجود دارد. مجمع پیشنهادها را در مقام یک نهاد تصمیم ساز به مقام مافوق خود یعنی رهبری ارائه می‌دهد و مقام مافوق پس از بررسی، تصمیم مقتضی خود را اتخاذ می‌نماید. بدین ترتیب مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان نهادی متشکل از متخصصان و باتجربگان در اداره جامعه است که از سوی ولی فقیه منصوب می‌شوند تا در موارد خاص مذکور، پیشنهادات خود را به مقام رهبری اعلام نمایند. البته این مجمع در انجام وظیفه دیگر خود با تشخیص مصلحت، اختلافات میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان درباره انطباق بعضی مصوبات با قانون اساسی و موازین اسلامی را حل و فصل می‌نماید، لیکن این وظیفه از بعد مشورتی این نهاد برگرفته نشده و اختیار تصمیم‌گیری و مصلحت‌سنجی به عهده آن گذاشته شده است.

بند دوم: شورای عالی امنیت ملی

آن گونه که در اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی مقرر شده است شورای عالی امنیت ملی که پس از بازنگری قانون اساسی به این قانون اضافه شده است، به منظور تامین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.

هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.

بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی. آن چه این شورا را در کسوت یک نهاد مشورتی قرار می‌دهد، عبارت ذیل این اصل است که بیان می‌نماید: «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید مقام رهبری قابل اجرا است.» بدین معنا شورای عالی امنیت ملی در قالب یک نهاد مشورتی که در حیطه‌های

۱ - تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.
 ۱. اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: وظایف و اختیارات رهبر:
 ۸- حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.

سه گانه فوق اقداماتی را انجام می‌دهد، نهایتاً فعالیت‌ها و مصوبات خود را در قالب پیشنهاد و مشورت به مقام مافوق خود یعنی مقام رهبری ارسال نموده تا در صورت تایید مقام مافوق جنبه اجرایی و الزامی پیدا نماید. این شورا مصداق خاصی از مشورت تخصصی در حیطه مسائل امنیتی است که قانون اساسی آن را پیش بینی نموده است.

جمع بندی

مشورت به عنوان نظرخواهی و بهره‌گیری از آراء عقلا و خردمندان در یافتن مسیر صحیح و شورا به عنوان نهادی که مشورت در آن انجام می‌گیرد، از اصول و روش‌هایی است که هم با استفاده از دلایل عقلی و هم با استناد به منابع نقلی، مطلوبیت آن قابل کشف و اثبات است. عقل، از این رو که استفاده از تجربیات دیگران و خودداری از استبداد رای به تصمیمی بهتر و صحیح تر می‌انجامد، لاجرم به تحسین و توصیه به مشورت می‌پردازد، و قرآن و سنت نیز با توجه به همه فوایدی که مشورت برای زندگی بشر دارد و مقدمات نیل بشر به سعادت را فراهم می‌سازد، اهتمام زیادی به آن نموده‌اند. آیاتی از قرآن کریم با توصیه به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به مشورت و همچنین ذکر مشورت به عنوان یکی از ویژگی‌های مومنان در تقویت این نهاد عقلانی بسیار نقش آفرینی نموده و نظر مثبت شارع را به آن بیان فرموده است. گذشته از آن حجم بسیاری از روایات از زوایای مختلف به مشورت پرداخته‌اند. برخی ادله اصل مطلوبیت و ممدوح بودن نهاد مشورت را مورد اشاره قرار داده‌اند، و برخی دیگر فواید و ویژگی‌های آن را ذکر کرده و دسته دیگری به چگونگی انجام آن و همچنین ویژگی‌های مشورت دهندگان پرداخته‌اند. این امر در رفتار عملی معصومین (علیهم السلام) نیز به وفور بروز داشته و جنبه‌های مختلفی از مشورت از سیره مبارک ایشان قابل مطالعه است.

اما این مطلوبیت و توصیه به امر مشورت در گستره مهمی از زندگی - که در این فصل تنها مشورت در امور حکومتی موضوع بحث ما بوده است - به معنای نامحدود بودن حیطه مشورت نیست. بدین معنا در هر امری نیز مشورت توصیه نشده است. بلکه قلمرو مشورت به مرزی چون امر الله محدود می‌گردد. هدف اولیه مشورت رفع تحیر و انتخاب راه حل صحیح است. چنانچه در موضوعی امری از جانب خداوند وجود داشته باشد و مسیر را مشخص نموده باشد، دیگر مشورت در آن موضوع بی

معناست و صرفاً چگونگی اجرای امر الهی می‌تواند به شور گذاشته شود. درباره شیوه اجرایی مشورت نیز مباحث متعددی در میان اندیشمندان و فقها صورت گرفته است. یکی از موارد مناقشه برانگیز تکلیفی یا اختیاری بودن مشورت برای حاکم اسلامی است که نظریات متعددی با ادله گوناگون حول این دو موضوع بیان شده است. در گام بعدی ضرورت یا عدم ضرورت تبعیت از نتیجه مشورت و نظرات مشورت دهندگان نیز بحث دیگری است که بسیار محل بحث قرار می‌گیرد و اندیشمندان در آن اختلاف کرده‌اند. اما در نهایت آن چه از مجموع این نظریات به عنوان نظریه مختار می‌توان برگزید، ضرورت مشورت از سوی حاکم اسلامی و عدم ضرورت تبعیت از مشورت است. به عبارت دیگر حاکم اسلامی مکلف به انجام مشورت با دیگران است و چنانچه این کار را انجام دهد مزایای خاص خود را در بر خواهد داشت، اما پس از انجام مشورت، ضرورتی برای اتخاذ تصمیم بر اساس آن چه مشاوران مطرح نموده‌اند و یا اکثریت مشورت دهندگان به آن نظر داشته‌اند، وجود ندارد. بلکه این حاکم اسلامی است که بایستی بر اساس یقین خود عمل نماید؛ یقینی که ممکن است بر اساس نظر مشورت دهندگان شکل بگیرد و یا این که علم سابق وی سر منشا آن باشد. حاکم اسلامی موظف است در دو حیطة به مشورت با دیگران بپردازد و با دو گروه از افراد مشورت نماید. در مشورت تخصصی، حاکم با مجموعه‌ای از خبرگان موضوع مربوطه که بایستی از ویژگی‌هایی برخوردار باشند به مشورت می‌نشینند و در مشورت عمومی، عامه مردم طرف مشورت حاکم قرار می‌گیرند.

البته توصیه به مشورت در اداره امور جامعه اسلامی به معنای اداره شورایی که مجموعه‌ای از افراد به صورت مشورتی زمام امور را بر عهده بگیرند، نیست. زیرا نه تنها چنین چیزی تشریع نشده است، بلکه در منابع مختلف بر خلاف آن به مدیریت واحد تاکید شده است تا از آسیب‌ها و بی‌ثباتی‌هایی که عقلاً برای اداره جمعی متصور است، در امان باشد.

آن گونه که مطرح گردید، نهاد شورا در اصل هفتم قانون اساسی در ساختار جمهوری اسلامی ایران نهادینه شده است، اما با توجه به آنچه که در شرح فقهی نهاد مشورت در اسلام عیان گردید، شوراهای مذکور در اصل هفتم با مبانی اصل که از دو آیه قرآن کریم برداشت شده است، قابل انطباق نیستند. اما این نکته بدین معنا نیست که شوراها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ جایگاهی نداشته و مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و

روستا خلاف موازین اسلامی هستند. بلکه ابتدای این نهادها بر نهاد مشورت محل مناقشه و تامل است. حال این که این شوراها بر اساس چه ادله و مبنای شرعی در قانون اساسی ایران حضور دارند و در نظام جمهوری اسلامی ایران به فعالیت می‌پردازند، بحث مجزایی است که ذیل شرح فقهی اصول آتی قانون اساسی همچون فصول ششم و هفتم قانون اساسی که مشروحا به جایگاه و وظایف مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی می‌پردازد، به آن پرداخته خواهد شد. آنچه که در شرح فقهی این اصل و در این مجال می‌بایست بیان می‌شد، این بود که در ابتدای این ساختار به عنوان یکی از ارکان تصمیم‌گیری در کشور بر مبنای مشورت که اصل هفتم به آن اشاره کرده است، تامل و اشکال به نظر می‌رسد. اما در باب اداره که یکی دیگر از خصوصیات شورا در اصل هفتم دانسته شده است، آن گونه که در شرح فقهی اصل ششم قانون اساسی نیز به آن اشاره شد، شوراها می‌توانند به عنوان یکی از تجلیات نقش مردم در اداره امور عمومی کشور به فعالیت بپردازند.

اما به صورت خلاصه و مجمل می‌توان به این مطلب اشاره کرد که در بیان بهتر و صحیح‌تر از قانون اساسی، نهادهای شورایی در نظام حقوق داخلی را می‌بایست در تداوم اصل ششم قانون اساسی و در واقع مصداقی برای «نقش مردم در ساخت قدرت و مشارکت مردم در حکمرانی» دانست و بهتر بود مباحث مطرح شده در اصل هفتم درباره این نهادها، در تلفیق با اصل ششم و به عنوان مظاهر مشارکت مردم در حکمرانی و ساخت قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران ذکر می‌گردید.

بدین معنا و بر اساس ادله مشورت، شوراها اعم از مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌سازی و اداره امور کشور به حساب می‌آیند و امور کشور با اتکاء به نقش مردم پیش برده می‌شود.^۱

اما بیان این نکته بدین معنا نیست که اصل هفتم هیچ فایده‌ای نداشته و با در امتداد اصل ششم دانستن نهاد شوراها، اصل هفتم خالی از محتوا می‌گردد. بلکه آن چه در این سطور بیان شد این است که مبنا و محتوا در اصل هفتم با یکدیگر مطابقتی نداشته و هدف قانون‌گذاران اساسی از بیان اصل نهاد مشورت و بیان اهمیت شورا و مشورت در اسلام، با محتوا و مثال‌هایی که برای آن زده شده است، به نوعی نقض شده و دو امر نیکو که هر

۱. بحث درباره مبنای و ادله مشارکت مردم در حکومت و اداره کشور با آرای عمومی در شرح فقهی اصل ششم بیان شده است.

کدام از سویی با ادله مجزایی قابل بیان است، به یک مبنا توضیح داده شده است. این مسائل به مثابه نادیده گرفتن نهاد شورا در نظام جمهوری اسلامی ایران هم نیست. بلکه با توجه به اهمیت زیاد شورا و مشورت چه از نظر عقلی و چه با استناد به دلایل نقلی، وجود این نهادها در قانون اساسی و ساختار نظام ضروری می‌نماید. نهاد شورا و مشورت در قانون اساسی ایران می‌تواند در قالب شوراهای تخصصی که وظیفه مشورتی را در امور تخصصی توسط مجمع و شورایی از خبرگان در هر حوزه برعهده می‌گیرد، تبلور پیدا کند. بدین خاطر مجموعه‌ای از شوراهای مشورتی در امور خاص نظیر شوراهای فرهنگی، شوراهای اجتماعی، شوراهای اقتصادی و سیاسی و مهندسی و فنی و پزشکی خواهد توانست تأثیرات مثبت نهاد مشورت را در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش عیان نماید و حتی بعید نیست که ضروری ساختن وجود آن‌ها و اثربخشی مستقیم به آن‌ها، بتواند ایشان را در قامت مشاوران متخصص موجب عملکرد بهتر و عقلانی‌تر نهادهایی نماید که در جهت مشارکت مردم در اداره امور کشور پایه گذاری شده‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم ترجمه حجت الاسلام حسین انصاریان
 ۲. نهج البلاغه ترجمه محمد مهدی فولادوند
- قوانین:
۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 ۲. قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ با اعمال آخرین اصلاحات
 ۳. قانون شرح وظایف مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۰۹/۱۹
- کتاب و مقالات:
۱. ابراهیم زاده آملی نبی الله، حاکمیت دینی، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۷
 ۲. ابن ابی الحدید عبدالحمید، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ هـ ق، جلد سوم
 ۳. ابن مزاحم نصر، وقعه صفین، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ ق
 ۴. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، بی تا، جلد دوازدهم
 ۵. اراکی محسن، نظریه حکم فی الاسلام، قم: مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۵ هـ ق
 ۶. ارسطو محمدجواد، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹
 ۷. آقا جمال خوانساری محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶، جلد ششم
 ۸. الانصاری عبدالحمید اسماعیل، الشوری و اثرها فی الدیمقراطیه (دراسه مقارنه)، بیروت: منشورات المکتبه العصریه، چاپ سوم، بی تا
 ۹. انصاری (خلیفه شوشتری) محمدعلی، الموسوعه الفقهیة المیسره و یلیها الملحق الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰ هـ ق، جلد سوم
 ۱۰. انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، جلد هفتم
 ۱۱. ایزدهی سید سجاد، نظارت بر قدرت در فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۹
 ۱۲. اسدالله ایمانی، دولت قرآن (مجموعه جلسات تفسیر)، جلسه هفتم، قابل دسترسی در سایت: <http://www.a-imani.ir>
 ۱۳. برقی احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق جلال الدین مصحح، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱، جلد دوم

۱۴. البستانی فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵
۱۵. البوطی محمد سعید رمضان، فقه السیره، بیروت: دارالفکر، بی تا
۱۶. پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: انتشارات دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲
۱۷. تستری سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۳ هـ ق
۱۸. تمیمی آمدی عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ ق
۱۹. جعفری لنگرودی محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶ جلد سوم
۲۰. حرانی ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، تهران: موسسه امیرکبیر، ۱۳۸۲
۲۱. حسینی حائری کاظم، المرجعیه و القیاده، قم: دارالتفسیر، بی تا
۲۲. حسینی شیرازی سید صادق، رساله توضیح المسائل، بحث جامعه و نظام اسلامی
۲۳. خرازی محسن، بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقاید الامامیه، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ هـ ق، جلد دوم
۲۴. دلشاد تهرانی مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، تهران: انتشارات دریا، چاپ دوم، ۱۳۸۵، جلد دوم
۲۵. دهخدا علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، جلد دوم
۲۶. دیلمی حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ هـ ق
۲۷. راغب اصفهانی حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، جلد دوم
۲۸. زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ هـ ق، جلد اول
۲۹. سبزواری ملاهادی، اسرار الحکم فی المفتوح و المختتم، قم: انتشارات مطبوعات دینی، ۱۴۲۵ هـ ق
۳۰. سید بن طاووس علی بن موسی، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم: انتشارات خیام، ۱۴۰۰ هـ ق، جلد اول
۳۱. سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المائور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ هـ ق، جلد های دوم، سوم و ششم
۳۲. شریعتی روح الله، قواعد فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷
۳۳. شکوری ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷
۳۴. شمس الدین محمد مهدی، فی الاجتماع السیاسی الاسلامی، بیروت: الموسسه الدولیه للدراسات و النشر، ۱۴۱۲ هـ ق

۳۵. شیخ حر عاملی محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ هـ، جلد دوازدهم
۳۶. شیخ صدوق محمد ابن علی ابن بابویه، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲، جلد اول.
۳۷. شیخ صدوق محمد ابن علی ابن بابویه، امالی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶
۳۸. شیخ صدوق محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲، جلد دوم
۳۹. شیخ طوسی محمد بن الحسن، أمالی، قم: دارالتقافه، ۱۴۱۴ هـ
۴۰. صالحی شامی محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ هـ، جلد چهارم
۴۱. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی(ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۷، جلد بیستم
۴۲. صدر سید محمدباقر، الاسلام یقود الحیاه (موسوعه الشهد صدر جلد پنجم)، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهد الصدر، ۱۴۲۱ هـ
۴۳. طالقانی سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، جلد پنجم
۴۴. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، جلد هجدهم
۴۵. طبری محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵، جلد سوم
۴۶. عاملی سید جعفر مرتضی، الصحیح من السیره النبوی الاعظم، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۵ هـ، جلد ششم
۴۷. عسکری سید مرتضی، معالم المدرستین، تهران: موسسه البعثه، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ، جلد اول
۴۸. عمید زنجانی عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ هـ، جلد های اول و دوم
۴۹. عیاشی محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ هـ، جلد اول
۵۰. فتحی علی، مردم و حکومت اسلامی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳
۵۱. فرات کوفی ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمدکاظم محمودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ هـ
۵۲. فضل الله سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۹ هـ، جلد ششم

۵۳. قاضی زاده کاظم، نقش شورا در حکومت اسلامی، کیهان اندیشه، شماره ۶۱
۵۴. قرشی علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱، جلد چهارم
۵۵. قرطبی محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴، جلد چهارم
۵۶. کعبی عباس، بایسته‌های حکمرانی در فرمان حکومتی امیرالمومنین(ع) به مالک اشتر، تهران: موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۰
۵۷. کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق، جلد اول
۵۸. لیثی واسطی علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶
۵۹. متقی هندی علاءالدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: موسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ هـ.ق، جلد سوم
۶۰. مجلسی محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق، جلد هفتاد و دوم
۶۱. محلی جلال الدین و سیوطی جلال الدین، تفسیر الجلالین، بیروت: موسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ هـ.ق
۶۲. محمد رشید رضا، المنار، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۹ م، جلد چهارم
۶۳. محمد صادقی تهرانی، ولایت فقیه و حکومت صالحان، قابل دسترسی در: www.forghan.ir
۶۴. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، صفحه ۲۵۱
۶۵. مصباح یزدی محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳، جلد اول
۶۶. معرفت محمدهادی، ولایت فقیه، قم: انتشارات التمهید، ۱۳۷۷
۶۷. معین محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۸، جلد دوم
۶۸. مکارم شیرازی ناصر، انوار الفقاهه (کتاب البیع)، قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۵ هـ.ق
۶۹. مکارم شیرازی ناصر، پیام قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۸۶، جلد دهم
۷۰. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، جلد سوم
۷۱. مکارم شیرازی ناصر، دایره المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ هـ.ق
۷۲. مکارم شیرازی ناصر، مدیریت و فرماندهی در اسلام، قم: انتشارات هدف، ۱۳۶۷

۷۳. منتظری حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، قم: نشر تفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ.ق، جلد دوم
۷۴. موسوی خمینی سید روح الله، کتاب البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ هـ.ق، جلد دوم
۷۵. میرعلی محمدعلی، جایگاه شورا در نظام مردم‌سالاری دینی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۷۶. نائینی میرزا محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح سید جواد ورعی، قم: قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲
۷۷. نوری میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق، جلد هشتم
۷۸. الواقدی محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: موسسه الاعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ هـ.ق، جلد دوم

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل‌های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تأثیر بیچ‌قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون بیچ‌ملاحظه‌ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir